



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۶/۱۵

دوکتور نور احمد خالدي

## مروری بر تاریخ معاصر افغانستان

درس ششم: حاکمیت خانواده آل یحیی

۱۹۲۹-۱۹۷۱ م

(برای استفاده محصلان رشته تاریخ پوهنتون هرات)

استاد: دوکتور نور احمد خالدي

ماه می سال ۲۰۱۹ میلادی

قسمت چهارم

آزادی مطبوعات در دهه دیموکراسی

روزنامه ها و جراید شخصی و آزاد:

- ۱ - آزادی.
- ۲ - اتحاد ملی - محل نشر کابل، هفتگی، تاریخ نشر ۱۳۴۸ - ۱۳۵۱ هـ ش، صاحب امتیاز عبدالحکیم مژده، زبان: دری و پشتو.
- ۳ - افغان - محل نشر کابل، هفتگی، از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ نشر یافت و صاحب امتیاز آن محمد حسن اولس مل بود، زبان دری و پشتو.
- ۴ - افغان ملت - محل نشر کابل، هفتگی، تاریخ نشر ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: انجنیر غلامحمد فرهاد، زبان: دری و پشتو
- ۵ - افغان ولس - محل نشر: کابل، هفتگی، تاریخ نشر: ۱۳۴۸ - ۱۳۴۸، صاحب امتیاز: قیام الدین خادم، زبان: پشتو.
- ۶ - افکار نو؛ محل نشر: کابل، هفتگی، تاریخ نشر ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: نورالله، زبان دری و پشتو.

۷ - برید -

۸ - پرچم - محل نشر: کابل، هفتگی، تاریخ نشر ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سلیمان لایق، اما از تاریخ دوشنبه ۶ اسد ۱۳۴۸ شماره ۷۱ صاحب امتیاز کمافی السابق سلیمان لایق و مدیر مسئول آن میراکبر خیبر گردید. زبان: دری و پشتو.

۹ - پروانه، محل نشر: کابل، هفتگی، تاریخ نشر: ۱۳۴۷ هـ ش، صاحب امتیاز ک امان الله پروانه، زبان: دری و پشتو.

۱۰ - پکتیکا - محل نشر: کابل، هفتگی، تاریخ نشر ۱۳۴۸ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: شاه زمان و ریخ ستانیزی، زبان: دری و پشتو.

۱۱ - پیام امروز - محل نشر کابل، هفتگی، تاریخ نشر ۱۳۴۴ - ۱۳۴۷، صاحب امتیاز: غلام نبی خاطر، زبان: دری و پشتو.

۱۲ - پیام وجدان - محل نشر: کابل، هفتگی، ۱۳۴۵ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: عبدالروف ترکمنی، زبان: دری و پشتو.

۱۳ - پیکار - کابل، هفتگی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: غلام محمد الماسک، زبان: دری و پشتو.

۱۴ - ترجمان - کابل هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: دکتور عبدالرحیم نوین و مدیر مسئول: علی اصغر بشیر هروی.

۱۵ - جبهه ملی؛ کابل، هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: عبدالرب اخلاق، زبان: دری و پشتو، اشتراک سالانه: در داخل ۱۶۰ افغانی در خارج ۸ دالر.

۱۶ - خلق - کابل، هفتگی تاریخ انتشار ۱۳۴۵ هـ ش، صاحب امتیاز نورمحمد تره کی مدیر مسئول: بارق شفیعی، زبان: دری و پشتو.

۱۷ - خیبر - کابل، هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: محب الرحمن هوسا، زبان: پشتو.

۱۸ - روزگار - کابل، هفتگی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: محمد یوسف فرند، زبان: دری و پشتو.

۱۹ - سپیده دم - کابل، هفتگی، ۱۳۴۸، صاحب امتیاز: سید محمد بامداد، زبان: دری و پشتو.

۲۰ - شعله جاوید - کابل هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: رحیم محمودی، زبان: دری و پشتو.

۲۱ - شوخک - کابل، هفتگی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: عبدالعزيز مختار، زبان: دری و پشتو.

۲۲ - صدای عوام - کابل، هفتگی، ۱۳۴۷، صاحب امتیاز: عبدالکریم فرزاد.

۲۳ - کمک - کابل، هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۴۷، صاحب امتیاز: یعقوب کمک، زبان: دری و پشتو.

۲۴ - گهیخ - کابل، هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۱، صاحب امتیاز: منهاج الدین گهیخ و عبدالسلیم فرقانی

۲۵ - مردم - کابل، هفتگی، ۱۳۵۴، صاحب امتیاز: سید مقدس نگاه، زبان: دری.

۲۶ - معرفت - کابل، هفتگی، ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: غلام معصوم اخلاص، زبان: دری و پشتو.

۲۷ - ملت - کابل، هفتگی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: فدا محمد فدایی، زبان پشتو و دری

۲۸ - ندای حق - کابل، هفتگی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: عبدالستار صدیقی، زبان: دری و پشتو.

۲۹ - وحدت - کابل، هفتگی، ۱۳۴۴ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: خال محمد خسته، زبان: دری و پشتو.

- ۳۰ - هدف - کابل، هفتگی، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: غلام محمد اورمر، زبان: دری و پشتو.
- ۳۱ - سبا - کابل، روزنامه، ۱۳۴۷ - ۱۳۴۷، صاحب امتیاز: غلام نبی خاطر، زبان: دری و پشتو.
- ۳۲ - کاروان؛ کابل، روزنامه، ۱۳۴۷ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: صباح الدین کشکی، مدیر مسئول: عبدالحق واله، زبان: دری و پشتو.
- ۳۳ - مساوات - کابل، روزنامه، ۱۳۴۵ - ۱۳۵۲، صاحب امتیاز: محمد شریف ایوبی، مدیر مسئول: پوهاند محمد رحیم الهام، زبان: دری و پشتو.

## جرايد دولتي:

انیس و اصلاح و ادغام روزنامه های دولتی اصلاح - انیس.  
روزنامه هیواد.

کابل تایمز (به زبان انگلیسی)

مجله مصور خانوادگی "ژوندون" که در این دوره تیراژ آن از ۲۰۰۰ به ۶۰۰۰ شماره بالا رفت. ضمناً پیام حق، پشتون ژغ، انیس اطفال، ننگرهار، کندهار، آریانا و افغانستان، هرات و کمیکانو انیس در کابل، یک مجله در هرات و هجده جریده دولتی در ولایات افغانستان منتشر شد.

## اثر گذاري مطبوعات این دوره:

در این دوره در افغانستان نشریه های ایدیولوژیک پدید آمدند. اندیشه های کمونیستی علاوه بر محمل های دیگری که داشت، به وسیله نشریه های خلق، پرچم و شعله جاوید در جامعه پخش می گردید. این نشریه ها هوا خواهان زیادی داشتند. بسیاری از جوانان از مطالب نشراتی این نشریه ها به گونه مهمترین مواد آموزشی در جهت فراگیری تیوری های کمونیستی استفاده می کردند. در جهت دیگر نشریه گهیخ برای جوانانی که اندیشه های اسلام سیاسی را دنبال می کردند نیز چنین موقعیتی را داشت.

جدل های ایدیولوژیک و بحث های داغ سیاسی بیشتر در مطبوعات این دوره به چشم می خورد، اما بیشترین این بحث ها و جدل ها نه در جهت رسیدن به یک تفاهم اجتماعی - سیاسی بود؛ بلکه بیشتر هدف بر سر بیمقدار کردن اندیشه ها و شخصیت های مخالف سیاسی دور می زد. چنین بحث هایی با چنین روحیه بی روز تا روز، شگاف در میان حلقات روشنفکر جامعه را بیشتر می ساخت. نتایج ناگوار چنین بحث و جدل های تخریبی را در دوره های بعدی می توان به روشنی دید. چنان که زمانی که حزب دموکراتیک خلق در نتیجه یک کودتای خونین در اپریل ۱۹۷۸ به قدرت رسید حتی دو جناح خلق و پرچم که در حقیقت دو شاخه از یک تنه واحد بودند، نتوانستند یکدیگر را تحمل کنند، چه برسد به این که احزاب و جریانهای سیاسی دیگر تحمل شود.

نشریه هایی هم که در محدوده اندیشه اسلام سیاسی تبلیغات می کردند، روحیه جوانان وابسته به این اندیشه را چنان پرورش می دادند که آنها تمام جوانان دیگر را کمونیست می پنداشتند. غیر از این نشریه های آزاد و غیر دولتی، هیچ نتوانستند که به گونه اعضای خانواده جامعه مدنی با یکدیگر همکاری کنند؛ در میان آنها روابط غیر دوستانه بی حاکم بود، چنانچه هر باری که یکی از این نشریه ها به وسیله دولت تعطیل می شد نه تنها نشریه های دیگر از آن دفاع نمی کردند؛ بلکه این امر سبب خشنودی آنها نیز می گردید. شاید همین امر بود که با وجود

این همه نشریه و موجودیت قانون اساسی روزنامه نگاران نتوانستند تا انجمن صنفی خود را به وجود بیاورند. این امر را می توان یکی از بزرگترین نقطه ضعف مطبوعات این دوره به شمار آورد.

ادبیات سیاسی، شعریسیاسی و داستان سیاسی در مطبوعات این دوره بیشتر از هر زمان دیگری چهره می نماید. در همین سالها اکثر نشریه ها و به خصوص نشریه های حزبی و آزاد بیشتر به شعر سیاسی اهمیت دادند و از آن به حیث یک وسیله مبارزه استفاده کردند. قابل توجه این است که بخشی بیشتر این شعر های سیاسی در اوزان نیمایی سروده می شد و انتشار چنین شعر هایی در جهت دیگر سبب گسترش بیشتر شعر نیمایی در میان نسل جوان و هواه خواهان این شعر گردید.

بحث های داغ ایولوژیک و بحث های سیاسی در مطبوعات این دوره انگیزه خوبی را در ایجاد زمینه مطالعه در کشور به وجود آورد. از نقطه نظر گسترش فرهنگ مطالعه در میان اقشار آموزش دیده و دانشجویان، دهه دموکراسی را می توان یکی از دوره های استثنایی در افغانستان به حساب آورد.

چنان که هم اکنون شماری زیادی از شاعران، نویسندگان و شخصیت های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی شناخته شده کشور همان هایی اند که در دوره دموکراسی فعالیت های فرهنگی و سیاسی را آغاز کرده بودند. محور عمده حوادث سیاسی چهل سال گذشته افغانستان را احزاب دهه دموکراسی و شخصیت های سیاسی این دوره تشکیل می دهند.

نوع تفکر لیبرالیستی نیز به وسیله مطبوعات این دوره در افغانستان اشاعه یافت؛ ولی از آن جایی که شاه نتوانست جرأت کند تا قانون مطبوعات را امضا نماید، بنابر احزاب قوی ملی با اندیشه های آزادیخواهانه به وجود نیامدند و جریانهای هم که با چنین شعارهایی به وجود آمده بودند؛ در هیاهوی مبارزات مطبوعاتی جناح های تند روی چپ و راست، نتوانستند که قامت راست نمایند. بنابر می توان گفت که ظرف پنجاه سال گذشته جایی یک اندیشه ملی متکی بر معیار های جهانی دموکراسی؛ حقوق بشر و آزادی فردی در کشور خالی بوده است. هم اکنون نیز کمبود چنین اندیشه یی و کمبود چنین احزابی توانسته است مشکلات جدی را بر سر راه رشد و انکشاف افغانستان به وجود بیاورد.

### دو برداشت متفاوت از پروسه گسترش دموکراسی در افغانستان:

بعضی ها عقیده دارند که بهتر بود بعد از گسترش سواد همگانی، تامین رشد اقتصادی و آمادگی مردم از نظر فرهنگی، دموکراسی آنهم بطور تدریجی معرفی میگردد. مشکل این استراتژی آن است که زمان این اجازه را برای معرفی تدریجی دموکراسی دلخواه نمیدهد. بیایید تجربه ایران را در نظر بگیریم. محمد رضا شاه در عمل مدل پیشنهادی داوود خان را میخواست تطبیق کند: اول پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بعد دموکراسی. نتیجه آن شد که با سرمایه گذاریهای هنگفت عواید نفتی در واقع سطح زندگی، رفاه، سواد و صحت به سطوح عالی رسیدند در عین زمان نظام اختناق سیاسی ساواک بیداد میکرد. مردم منتظر نشدند تا شاه دموکراسی موعود را معرفی کند و انقلاب اسلامی به عوض دموکراسی بدترین نوع دیکتاتوری و ارتجاع را برقرار کرد. اگر خمینی اختناق مذهبی را برقرار نمیکرد الترناتیف دومی استقرار یک نظام کمونیستی از بطن انقلاب مردمی بود.

دموکراسی فرصتیت برای تکامل ذهنی و سیاسی جامعه، تمام سیاستمداران پنجاه سال اخیر افغانستان در دهه دموکراسی ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۲ پرورده شدند. اگر به تجربه دموکراسی ظاهرشاه اجازه تکامل داده میشد، هرگاه از

یکجانب نهاد های دولتی، سیستم اداره دولت (Public Service)، اردو، پولیس، قوه مقننه از طریق مسلکی ساختن این نهادها (غیر سیاسی ساختن) آنها، تعلیمات بهتر، تجهیزات بهتر و دادن آگاهی بهتر و با معرفی قوانین لازمه تقویت میگردید و از جانب دیگر قانون احزاب نافذ میشد و نهادهای دموکراتیک حمایت و تقویت میگردید و ترسی از نتایج دموکراسی وجود نمیداشت به یقین دموکراسی با گامهای استوار به مرور زمان در جامعه به پختگی لازم میرسید و به یک نهاد اساسی اخلاق سیاسی جامعه مبدل میگردد. هندوستان، و تا حدودی هم پاکستان، این راه را انتخاب کردند و منتظر نشدند مردمشان همه مرفه و باسواد شوند تا دموکراسی را معرفی کنند و امروز ثمر آنرا در نهادهای دموکراسی در تار و پود این کشورها به چشم سر مشاهده میکنم. این راهی بود که اکثریت کشورهای دموکراتیک مانند بریتانیا، فرانسه و امریکا آنرا تجربه کردند. آنها منتظر نشدند مردمشان همه مرفه و باسواد شوند تا دموکراسی را معرفی کنند در عوض نهاد های دولت و نهاد های دموکراتیک را تقویت کردند و به نتایج و دست آوردهای دموکراسی احترام گذاشتند.

از اینجاست که یک دموکراسی غرق در گل ولای که ضامن آزادی بیان و آزادی سهمگیری مردم در پروسه های دموکراتیک گرفتن قدرت دولتیست، هزار بار از یک دیکتاتوری که برای مردم پل و تونل بسازد ارزش دارد. فراموش نکنیم که یک دموکراسی لنگ لنگان هم قادر است امنیت مردم را تأمین کند طوریکه از همچو امنیت و مصونیت در دهه دموکراسی ظاهرخان مستفید بودیم!

## مخالفان دهه دموکراسی:

تعدادی میگویند "دموکراسی واقعی نیازمند مؤلفه ها و شرایطی است که باید قبلاً و یا به تدریج به سمت سالم به پیش برده شوند... آوردن این تحولات که لازمه تحقق دموکراسی در کشور میباشد، کار ساده نیست و یک شبه در میان صورت گرفته نمیتواند. مینویسند که "شهید محمد داؤد طی یک بیانیه خود تذکار داده اند که ترقی اقتصادی و اجتماعی و تحول فرهنگی، اجرای ریفورم های بنیادی و تأمین دیموکراسی واقعی، با هم ارتباط نزدیک دارد" (داکتر کاظم مقاله در افغان جرمن آنلاین). مشکل این استراتژی آن است که زمان این اجازه را برای معرفی تدریجی دموکراسی دلخواه نمیدهد. بیایید تجربه ایران را در نظر بگیریم. محمد رضا شاه در عمل مودل پیشنهادی داوود خان را میخواست تطبیق کند: اول پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بعد دموکراسی. نتیجه آن شد که با سرمایه گذاریهای هنگفت عواید نفتی در واقع سطح زندگی، رفاه، سواد، صحت به سطوح عالی رسیدند در عین زمان نظام اختناق سیاسی ساواک بیداد میکرد. مردم منتظر نشدند تا شاه دموکراسی موعود را معرفی کند و انقلاب اسلامی به عوض دموکراسی بدترین نوع دیکتاتوری و ارتجاع را برقرار کرد. اگر خمینی اختناق مذهبی را برقرار نمیکرد الترناتف دومی استقرار یک نظام کمونیستی از بطن انقلاب مردمی بود.

اگر مودل معرفی تدریجی دموکراسی منجر به استقرار اختناق مذهبی در ایران شد امکانات تکرار این تجربه در افغانستان و یا استقرار یک نظام کمونیستی تاجه حدودی بود؟ آیا میتوان نقش تعمیم معارف را در تشدید خواسته های آزادی خواهی و دموکراسی طلبی در ایران دست کم گرفت؟ همین اصل در افغانستان نیز صادق است. اصول اساسی داشتن عقیده به دموکراسی، معرفی دموکراسی و تعهد قبول عواقب و نتایج آن است. دستگاه سلطنت دموکراسی را بر اساس قانون اساسی سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) معرفی کرد اما از عواقب آن در هراس بود و تعهدی در قبال پذیرفتن نتایج آن نداشت. در نوشته محترم کاظم تشویش داوود خان از به قدرت رسیدن چپها و یا

راستیهای افراطی از مجرای انتخابات پارلمانی در غیاب یک حزب میانه رو ملی گرا توضیح شده است. این همان هراسی است که مانع انفاذ قانون احزاب سیاسی توسط ظاهر شاه نیز شد. نتیجه را که بلا تکلیفی بود همه مشاهده کردیم، نه دموکراسی تمام عیار و نه مطلق العنانی داوودخانی که در نهایت به کودتای خود داوود خان انجامید. بیایید ببینیم اگر به تجربه دموکراسی ظاهر شاه اجازه تکامل میدادند چه واقع میشد؟ به یقین هرگاه دولت از یکجانب نهاد های دولتی، سیستم اداره دولت (Public Service)، اردو، پولیس، قوه مقننه، را از طریق مسلکی ساختن این نهاد ها (غیر سیاسی ساختن) آنها، تعلیمات بهتر، تجهیزات بهتر و دادن آگاهی بهتر و با معرفی قوانین لازمه، تقویت مینمود و از جانب دیگر قانون احزاب را نافذ میکرد و نهاد های دموکراتیک را حمایت و تقویت میکرد و ترسی از نتایج دموکراسی نمیداشت، به یقین دموکراسی با گامهای استوار به مرور زمان در جامعه به پختگی لازم میرسید و به یک نهاد اساسی اخلاق سیاسی جامعه مبدل میگردد. با اجازه دادن به دموکراسی به احتمال زیاد در یک انتخابات پارلمانی دوره بعدی، بطور مثال سال ۱۳۵۶ یک حزب متحده اسلامی افراطی و یا حزب دموکراتیک خلق پیروز میشدند. آیا این پیروزی نشانه بروز قیامت بود؟ نخیر! پیروزی این احزاب در چوکات قانون احزاب و در چوکات قانون اساسی به معتدل شدن روشهای این احزاب و اتکای شان به راههای دموکراتیک گرفتن قدرت به بلوغ و پختگی سیاسی جامعه کمک میکرد.

تجربه عینی مردم از دستآورد های حکومتداری این احزاب خود بخود و بطور طبیعی به گسترش نفوذ احزاب میانه رو مساوات، افغان ملت، صدای عوام، غورزنگ ملی و غیره کمک میکرد و روزی شاید این احزاب قدرت حکومتی را از طریق انتخابات پارلمانی بدست میگرفتند. هندوستان، و تا حدودی هم پاکستان، این راه را انتخاب کردند و منتظر نشدند مردمشان همه مرفه و باسواد شوند تا دموکراسی را معرفی کنند و امروز ثمر آنرا در نهادهای شدن دموکراسی در تار و پود این کشورها به چشم سر مشاهده میکنم. این راهی بود که اکثریت کشورهای دموکراتیک مانند بریتانیا، فرانسه و امریکا آنرا تجربه کردند. آنها منتظر نشدند مردمشان همه مرفه و باسواد شوند تا دموکراسی را معرفی کنند در عوض نهادهای دولت و نهادهای دموکراتیک را تقویت کردند و به نتایج و دست آوردهای دموکراسی احترام گذاشتند.

پایان قسمت چهارم